

## بررسی تحلیلی مقوله انسان‌شناسی در دین صابئین مندائی

عزیز سواری \*

مسعود صفایی مقدم \*\*

سید جلال هاشمی \*\*\*

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مقوله فلسفی انسان‌شناسی دین صابئین مندائی می‌باشد که به روش سندی و تحلیلی- استنتاجی از منابع اصیل آنان انجام گرفته است. دین صابئین یکی از نخستین ادیان است که بر پایه عقایدی همچون توحید، نبوت و معاد استوار گشته است و پیروان آن امروزه در جنوب عراق و برخی شهرهای خوزستان به آرامی زندگی می‌کنند. قرآن کریم سه بار از صابئین یا صابئون در کنار دیگر ادیان بزرگ الهی نام برده و برخی فقهای مسلمان آنان را در ردیف اهل کتاب معرفی کرده‌اند. در این دین انسان مخلوق خداوند یکتا (هیی ربی قدمایی) و دارای دو بعد مادی (پغرا) و غیر مادی (نشمتا و روها) است. گوهر حقیقی انسان که همان نشمتای اوست، فناپذیر و نامیراست و پس از مرگ به مبدأ خود، یعنی جهان نور (آلما دنهورا) باز خواهد گشت. انسان در این دین دارای ارزش و کرامت خاصی است و پس از دمیده شدن نشمتا در پغرای او مسجود فرشتگان گردیده است. همچنین انسان موجودی مختار است و در نتیجه در قبال کارهای خود مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گوست. مطابق آموزه‌های دین مندائی، سرشت انسان ذاتاً پاک است و بر این اساس اعتقادی به گناه اولیه انسان

\* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران (نویسنده مسئول: azizsawari@gmail.com)

\*\* استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران

\*\*\* استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۲۵

وجود ندارد. فلسفه خلقت انسان شامل عبادت و تسبیح هیبی ربی، تعلیم حکمت، رحمت و محبت هیبی ربی، نماینده جهان نور در زمین، امتحان و آزمایش او است که می‌توان آنها را از تعالیم مقدس مندائی کشف و استنتاج کرد.

**کلیدواژگان:** صابئین مندائی، انسان‌شناسی دینی، کتب دینی مندائیان، فلسفه خلقت انسان.

### مقدمه

شناخت انسان همواره در کانون اندیشه بشری بوده است. توجه به انسان، تنها بدین سبب نیست که او یکی از موجودات این عالم است و باید مورد شناسایی قرار گیرد، بلکه اهمیت انسان‌شناسی از این جهت است که در واقع شناخت ماهیت و حقیقت خویشتن انسان است؛ حقیقتی که در لابه‌لای علوم دیگر گم می‌شود و انسان با وجود همه پیشرفت‌های علمی از آن غافل می‌ماند.

در آموزه‌های تمام ادیان الهی، شناخت انسان پس از خداشناسی بیشترین اهمیت را دارد؛ تا آنجا که یکی از اهداف اساسی انبیاء، توجه دادن انسان به خویشتن بوده است. انسان‌شناسی ارتباط وثیقی با خداشناسی، جهان‌شناسی و معادشناسی دارد. انسان‌شناسی در مجموع با مباحثی چون بازشناسی هویت انسان، جایگاه انسان در نظام هستی، ابعاد وجودی انسان، ارزش‌ها، توانایی‌ها، نیازها، خواسته‌ها و آگاهی‌های انسان سر و کار دارد. شناخت مرتبه وجودی انسان به حکم اینکه وی در نظام هستی از جایگاه بسیار ممتاز و برجسته‌ای برخوردار است، اهمیت دارد. همچنین اهمیت حضور او به صورت اصولی در ساحت‌های علمی و معرفتی، به‌ویژه در عرصه علوم انسانی چشمگیر است (رهنمایی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).

در این میان دین «صابئین مندائی»<sup>۱</sup> یکی از قدیمی‌ترین - و شاید نخستین - ادیان توحیدی جهان نیز از مسئله انسان‌شناسی غافل نمانده و در بوته‌های (آیات) زیادی از کتب مقدس به خصوصیات و ویژگی‌های انسان پرداخته و در این باره دیدگاه ویژه‌ای ارائه نموده است. در این پژوهش سعی می‌گردد مقوله فلسفی انسان‌شناسی دینی صابئین مندائی، با توجه به

1. Mandaean Sabians.

منابع اصیل آنان مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به عدم آشنایی خوانندگان محترم با این دین، در ابتدا لازم است مختصری از این دین فراموش شده بیان شود.

### صابئین مندائی

صابئین مندائی گروهی از اقوام سامی نژادند که محل اصلی ظهورشان در فلسطین و اطراف رودخانه اردن بوده است (Drower, 1937, p.12) و پس از هجرت از آنجا در ناحیه بین‌النهرین، در جنوب عراق و نیز در ایران در کنار رودخانه‌های پرآبی مانند دجله و فرات و کارون سکنی گزیده‌اند.<sup>۱</sup> واژه «مندائی» برگرفته از «مندا» به معنای علم و معرفت است؛ اما همسایگان‌شان در این نواحی آنان را با نام «صَبَّی» می‌شناسند که به معنای فرورفتن در آب و شستشو کردن است. زبان این قوم، مندائی - یکی از شعبه‌های زبان آرامی شرقی - است. از نظر اعتقادی، خداپرست و معتقد به جهان آخرت‌اند. اساس این دین بر تعمیم در آب جاری است. به همین دلیل صابئین مندائی همیشه در کنار آب زندگی می‌کنند (شیرالی، ۱۳۸۹، ص ۳۱-۳).

جای شگفتی است که با وجود تعداد اندک پیروان این دین و کتمان اسرار دینی و مناسک‌شان، چگونه مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته‌اند؛ به طوری که قرآن در سه مورد از «صابئین» یا «صابئون» نام برده و آنها را در ردیف اهل کتاب قرار داده است<sup>۲</sup> (المرائی، ۱۹۸۱، ص ۳). صابئین مندائی به خدای یکتای ازلی، ابدی و بی‌نهایت منزّه از ماده و طبیعت معتقد هستند؛ خدایی که علت وجود اشیا و پیدایش موجودات است (گنزاربای راست). آنان به معاد، روز حساب و نبوت<sup>۳</sup> اعتقاد دارند. نماز<sup>۴</sup> (برآخا)، روزه<sup>۵</sup> (صوما)،

۱. براساس روایت کتاب تاریخی صابئین مندائی موسوم به حران کویتا (یا حران داخلی)، مندائیان هنگام مهاجرت و ورود به حران و بین‌النهرین، عده‌ای از هم‌کیشان خود را در آنجا یافتند و مورد استقبال آنان قرار گرفتند. این امر نشان از گسترش دین صابئین مندائی در آن زمان (بیش از دو هزار سال پیش) دارد (حران کویتا، ۲۰۰۸، ص ۱).  
 ۲. «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۶۲؛ همچنین بنگرید به: مائده، ۶۹؛ حج، ۱۷).

۳. صابئین مندائی به نبوت انبیایی همچون آدم، شیث (شیتل بر آدم)، نوح (نوا)، سام بن نوح (شوم بر نوا) و یحیی (یهیا بر زکریا) ایمان دارند (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۱).

۴. صابئین مندائی در شبانه‌روز سه بار نماز می‌خوانند و قبله آنان رو به شمال است (برنجی، ۱۳۶۷، ص ۲۵۱).

۵. در دین مندائی دو نوع روزه وجود دارد: روزه بزرگ (صوما ربا) و روزه کوچک (صوما زوطا) (المدنی، ۲۰۰۹، ص ۵۴).

تعمید<sup>۱</sup> (مصبتا) و صدقه<sup>۲</sup> (زدقا) از اصول و واجبات دین آنان محسوب می‌شود. همچنین در این دین اعمالی چون قتل نفس، سوگند دروغ، خوردن و آشامیدن قبل از غسل جنابت، راهزنی و دزدی، زنا، ازدواج با زنان غیر مندائی، شهادت به دروغ، رباخواری، خیانت در امانت، لواط و قمار از محرمات است (الفیاض، ۲۰۱۱، ص ۱۰۳).

ذبح و خوراک و نوع لباس دینی و آیین ازدواج و تدفین آنان به ادیان ایرانی، اسلام و یهودیان مشابهت دارد. ورود غیر مندایی در این دین ممنوع است؛ از این رو تبلیغ مندائیان صرفاً در محدوده دینی ارزشمند است. به همین دلیل تعداد پیروان این دین افزایش نیافته است.<sup>۳</sup> مندائیان در سطح ایران و عراق و در کنار رودخانه‌های دجله و فرات و کارون گسترش یافته‌اند (فروزنده، ۱۳۷۶، ص ۱).

مهم‌ترین کتاب مقدس صابئین مندائی «گنزا ربا»<sup>۴</sup> به معنای گنج بزرگ نام دارد که به آن «صحف آدم» هم گفته می‌شود. مندائیان اعتقاد دارند که تعالیم این کتاب از جانب خداوند (هیی ربی قدمایی) به اولین پیامبر آنان، یعنی حضرت آدم (ع) وحی شده است. گنزا ربا دربر دارنده اعتقادات، اخلاقیات، احکام و بسیاری از نیازهای صابئین است و همواره در میان مندائیان ارزش و اهمیت خاصی داشته است. گنزا به دو قسمت چپ و راست تقسیم و با خط مندائی (آرامی شرقی) نوشته شده است (شیرالی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۸). کتاب دینی مهم دیگر مندائیان «دراشا اد یهیا»<sup>۵</sup> یا درس‌های حضرت یحیی (ع) - آخرین پیامبر صابئین مندائی - می‌باشد که در آن تعالیم و پندهای اخلاقی و تربیتی آن حضرت بیان شده است. صابئین معتقدند این کتاب به وسیله جبرئیل

۱. تعمید (مصبتا یا مصوتا) فقط در آب جاری و پاک و توسط روحانی صورت می‌پذیرد و انواع مختلفی دارد (شیرالی، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

۲. در دین مندائی صدقه دادن اهمیت بسیار زیادی دارد و برای کسانی که توانایی آن را دارند، واجب است و سفارش شده که بایستی در خفا انجام پذیرد (گنزار ربا و دراشا اد یهیا).

۳. آمار رسمی در مورد تعداد صابئین مندائی در ایران وجود ندارد. جمعیت آنان حدود بیست هزار نفر تخمین زده می‌شود (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۲).

4. Genza Raba.

5. Darash Ed Yahia.

رسول (هیبل زیوا) بر حضرت یحیی(ع) وحی و الهام شده است (المدنی، ۲۰۰۹، ص ۳۹۲). برخی فقهای قدیم و همچنین معاصر، صابئین مندائی را به‌عنوان اهل کتاب معرفی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

### روش تحقیق

روش انجام این پژوهش، سندی و تحلیلی-استنتاجی است. در بخش پژوهش سندی، مهم‌ترین کتاب‌های مقدس مندائیان همچون گنزا ربا و دراشا اد یهیا مورد مطالعه و کاوش قرار می‌گیرند که در سال ۲۰۰۱م توسط علما و روحانیون بزرگ مندائی از زبان مندائی به زبان عربی ترجمه شده‌اند. در قسمت استنتاجی نیز مهم‌ترین و کلیدی‌ترین آموزه‌های انسان‌شناسی براساس متون و اسناد اصیل مندائی استنتاج و صورت‌بندی می‌شود.

### انسان در دین مندائی

در پاسخ به این پرسش مهم که سیمای انسان در دین صابئین مندائی چگونه است، بایستی به فرهنگ مندائی، یعنی مجموعه باورها و ارزش‌ها و جهان‌بینی و ایدئولوژی مندائی توجه کرد. برای آگاهی از ویژگی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد انسان در دین مندائی ابتدا بایستی چگونگی خلقت او را بررسی کرد. کاوش درباره مبدأ پیدایش انسان، بحثی صرفاً علمی نیست، بلکه از جوانب مختلف علمی، دینی، عقیدتی و شخصیتی اهمیت دارد. سؤال از فلسفه خلقت، سؤالی ریشه‌دار است. بشر در طول تاریخ همواره می‌خواست بداند که از کجا آمده، برای چه آمده و به کجا می‌رود؟ بر این اساس چگونگی تصویر انسان از منظر دین مندائی را با این موضوعات جستجو می‌کنیم.

در جای‌جای کتب مقدس مندائی و در رأس آنها گنزا ربا به موضوع آفرینش انسان پرداخته شده است؛ به‌طوری که یک بخش از گنزا ربا «خلقت آدم» نام گرفته و در آن به‌طور مفصل چگونگی خلقت انسان تشریح شده است.

---

۱. یکی از مشهورترین فتاوهایی که اخیراً صابئین مندائی را به‌عنوان اهل کتاب در کنار سایر ادیان بزرگ الهی همچون یهود و مسیحیت معرفی نموده، فتوای آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۴ می‌باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ص ۶۵).

### چگونگی خلقت انسان از منظر دین صابئین مندائی

مراجعه مستقیم به کتب مقدس مندائیان، بهترین راه جهت شناخت نحوه پیدایش انسان از منظر این دین است. بوته‌های<sup>۱</sup> زیادی از گنزا ربا و دراشا اد یهیا به چگونگی خلقت اولین انسان - که به اعتقاد مندائیان حضرت آدم(ع) و همسرش حوا می‌باشد - پرداخته است. تسبیح دوم از بخش اول گنزا ربای راست پس از اشاره به خلقت ملائکه و سپس جهان هستی، خلقت انسان را این‌گونه شرح داده است:

تو را سپاس ای پروردگرم ... به فرمانت همه چیز به‌وجود آمد \* و به امرت همه چیز خلق شد \* ای خالق هیبل زیوا (جبرئیل) رسول که او را به جهان تاریکی فرستادی.

پروردگرم به من<sup>۲</sup> گفت:

به جهان تاریکی برو، به جهانی که پر از شر است \* جهان نیرنگ و حیل و دروغ \* به‌سوی آن برو و بر آن مسلط شو \* زمین را بگستران و آسمان را بلندمرتبه بساز و ستارگان را در آن آویزان بگردان \* خورشید و ماه و ستارگان را نورانی کن و آب را گوار نما ... تا حیات به امر من (هیبل) آغاز گردد \* به اراده و فرمان من درختان و میوه‌ها را ایجاد کن \* تا جهان با آنها شاد و مسرور گردد و در آنجا مرد و زنی به‌نام آدم و حوا باشد تا فرشتگان بر آنها سجده نمایند \* و هرکس سرپیچی نماید، جایش در جهنم است \* و سه فرشته از جهان نور همراه و مونس آنها باشند و جهان توسط پشاهیل<sup>۳</sup> نورانی گردد. خداوند بلندمرتبه فرمان داد و همه چیز به‌وجود آمد \* پشاهیل به زمین فرود آمد \* آسمان را وضع نمود و زمین را گستراند \* آسمان روشن گشت و ماه درخشید و ستارگان نورانی شدند و هرکدام در مدار مخصوص خود قرار گرفتند \* بادهای تند و آب و آتش به‌وجود آمدند \* درختان و میوه‌ها ایجاد شدند \* و انواع حیوانات و وحوش پدید آمدند \* و از خاک و گل قرمز و خون، جسد آدم تشکیل شد و سپس از سیر هستی نشماتا (روان) آدم و حوا را نازل کردند و به قدرت خدا نشماتا وارد جسد آنها گشت. سپس خدا فرمود:

۱. بوته در کتب مقدس مندائی معادل آیه در قرآن کریم است.

۲. جبرئیل امین (هیبل زیوا).

۳. نام یکی از فرشتگان مقرب.

فرشتگان به آدم سجده کنند \* و با او مخالفت نکنند. پس همه سجده نمودند، به جز شریر<sup>۱</sup> (شیطان). پس خدا او را زندانی نمود. من (هیبل زیوا) رسول پاکم \* خداوند به من فرمان داد نزد آدم و حوا بروم. آنها را با صدایی رسا ندا داد \* و آنها را تعلیم داد تا قلبشان روشن گردد \* و او آدم را برپا کرد تا عقل و دلش نورانی گردد \* سپس به آدم و همسرش حوا و نسلشان حکمت آموخت تا شیطان آنها را گمراه نکند \* نماز خواندن را به آنها یاد داد تا برای سپاس از خداوند متعال در روز سه بار و در شب دو بار آن را به پا دارند (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۸-۱۰).

همچنین در بخش دوازدهم گنزا ربا در مورد خلقت نخستین انسان آمده است:

(به امر هبی ربی قدمایی) بئاهیل جهان را ساخت و در آن نسل‌هایی به وجود آورد \* دریاهایی در آن گستراند و کوه‌هایی در آن سر به فلک کشید \* و برای خانه‌ای از جنس گل پدید آورد \* و در آن رودها، درختان و ماهی‌ها و پرندگان، حیوانات و وحوش و میوه‌هایی زیبا برای آدم و حوا ساخت تا در آنها انس بگیرند و در آن به راحتی زندگی کنند \* بعد از اینکه بئاهیل جهان را ساخت، از خداوند متعال فرمان رسید تا آدم را پدید آورد \* بئاهیل جسم آدم را (که او فرزند خود خواند) شبیه خود ساخت و حوا را نیز شبیه شکل آدم آفرید \* بئاهیل خواست آدم را بنشانند، اما آدم بلند نشد \* تمام ملائکه نور و ملائکه جهان تاریکی خواستند آدمی را برپا نمایند، اما حاصلی نگردید \* بئاهیل از روحش و ملائکه از سیر خود در آدم دمیدند، اما آدم همچنان ساکن و بی حرکت بر روی زمین دراز کشیده بود \* بئاهیل به سوی ابائر (که پدر اثری‌ها خوانده می‌شود) در جهان نور صعود کرد و با نشمتا (سیر اعظم) که در دستارش حمل کرده بود، برگشت و وقتی به آدم نزدیک شد، مندا ادهیی (مقرب‌ترین فرشته نورانی) آن را از بئاهیل گرفت و در جسم آدم وارد کرد. در همان لحظه آدم چشمانش را باز کرد. من (نشمتا) به اثری که به سرعت از سوی هبی به من رسید، اطمینان دارم \* من از سوی خدا (هبی ربی) پدید آمدم \* من ادکاس مانا هستم که از جهان ناشناخته و مخفی آمدم \* فرشته درستکار برای لقای من باز خواهد گشت تا مرا به سوی روشنایی بازگرداند (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۱۸۸).

- از چگونگی خلقت انسان از منظر دین مندائی می‌توان آموزه‌هایی به شرح زیر استخراج نمود:
- انسان مخلوق و آفریده خداست. بنابراین انسان هویتی الهی یا از اویی به‌سوی اویی دارد.
  - انسان موجودی متشکل از بعد مادی و بعد غیرمادی است. در زبان مندائی بُعد مادی انسان را «پغرا» و بعد غیرمادی او را «نشمتا» (روان یا نفس<sup>۱</sup>) می‌نامند.
  - منشأ پغرا، عناصر زمینی (همچون خاک، آب و گل) است و محکوم به فناست؛ بنابراین پس از مرگ به زمین باز خواهد گشت. اما منشأ نشمتا، عالم نور (آلما دنهورا) می‌باشد و پس از مفارقت از بدن به منشأ خود باز خواهد گشت؛ در نتیجه هیچ‌گاه نمی‌میرد.
  - همان‌گونه که در بوته‌های فوق مشاهده می‌گردد، نابودی شر ناشی از جهان تاریکی و خلقت جهان هستی (آفرینش زمین، آسمان‌ها، حیوانات و ثمره درختان) تنها به‌خاطر انسان صورت گرفته است. آفرینش آدمی آخرین مرحله از مراحل خلقت است.
  - انسان دارای کرامت و ارزش ذاتی است و این کرامت تنها به‌دلیل وجود نشمتا صورت گرفته است. قبل از دمیده شدن نشمتا، انسان هیچ ارزشی نداشت؛ زیرا پس از دمیدن نشمتا در جسدش (پغرا) مسجود فرشتگان و سپس مورد تعلیم و تربیت قرار گرفت.
  - برخلاف نظر ادیان بزرگی همچون یهود، مسیحیت و اسلام که اعتقاد دارند حضرت آدم(ع) نخستین مخلوق خدا، ابتدا در بهشت خلق شد و سپس بر اثر گناه اولیه از بهشت به زمین هبوط کرد، دین مندائی اعتقادی به گناه اولیه حضرت آدم(ع) ندارد. بنابراین در اینجا می‌توان یکی از اساسی‌ترین مبانی انسان‌شناسی دین مندائی را استخراج نمود و آن پاک بودن ذات آدمی است.
  - آدم به همراه همسرش حوا آفریده شد. جسم حوا نیز از همان خاک و گل جسم آدم پدید آمد.
  - تعلیم الهی (هیی) به آدم و حوا پس از دمیدن نشمتا در پغرا و آن هم توسط ملائکه صورت گرفت. اولین آموزش به آدم، تعلیم حکمت بود و پس از آن نماز و دیگر عبادات. در اینجا چند نکته قابل طرح است: اول اینکه، خداوند (هیی ربی) نخستین معلم انسان است.

۱. شایان ذکر است که واژه «نشمتا» به روان یا نفس (نَسْمَةُ الحیاء) ترجمه شده است. خصوصیات نشمتا در دین مندائی، معادل روح در دین اسلام است.



تعلیم اولیه به فرمان هیبی و توسط فرشتگان مقرب همچون مندا ادهیی صورت گرفت. دوم اینکه، انسان موجودی تربیت‌پذیر است و استعداد و شأنیت درک و فهم کلام وحی را دارد. نکته سوم تقدم حکمت بر عبادت می‌باشد که در موارد بسیاری در کتب مقدس مندائیان (مانند گنزا ربا و تعالیم حضرت یحیی) قابل ردیابی است.

- غایت تعلیم حکمت به انسان، گمراه نشدن و عدم اطاعت آدمی از شیطان معرفی شده است.

- انسان برای تحول و رشد خویش نیازمند هدایت است. انسان بدون راهنمایی یک مربی پاک نمی‌تواند به هدف خود که لقای هیبی ربی در جهان نور است، دست یابد.

- خداوند انسان را به ابزارها و دستگاه‌های شناختی (مانند عقل، قلب، ضمیر و جنان) مجهز کرده است.

- شیطان (شطانا یا سلطانا) یکی از فرشتگان آتش، اولین دشمن انسان معرفی شده است که به دلیل سجده نکردن بر آدمی مقید گشت. شیطان شیر و روها که در جهان تاریکی سکنی گزیده‌اند، در برابر نیروهای نورانی، بختی برای عرض اندام ندارند، اما می‌توانند اغواگری‌ها و حرکات ایذائی را شکل دهند. هرآنچه اصالتاً بد است، از طرف ایشان پدید آمده یا تأیید می‌شود. موارد فوق به صورت کلی مطرح شده‌اند و نیاز به توضیح بیشتری دارند. بنابراین بحث انسان‌شناسی در دین مندائی با موضوعات ابعاد وجودی انسان، فلسفه خلقت انسان، سرشت انسان، کرامت انسان، فطرت و صبغت الهی داشتن، اختیار، مسئولیت انسان، محبت و فرجام انسان پی گرفته می‌شود.

### ابعاد وجودی انسان

همان‌گونه که ذکر شد، در دین مندائی انسان موجودی متشکل از دو بعد مادی و غیرمادی است. بعد مادی همان جسد یا به تعبیر مندائیان «پِغرا»<sup>۱</sup> نام دارد و بعد غیرمادی شامل «نشمتا»<sup>۲</sup> و

1. Peghra.  
2. Neshmetha.

«روها»<sup>۱</sup> است. نشمئا (معادل روح در اسلام) ذاتاً پاک و نفخه‌ای الهی است که از عالم نور (آلما اد نهورا) در جسد انسان دمیده شد. در ادامه این ابعاد تشریح و توضیح داده می‌شوند.

### ۱. پغرا

پغرا کلمه‌ای مندائی و به معنای «جسد یا جسم انسان» است (رودولف، ۱۹۹۴، ص ۱۴۷). پغرا به امر و اراده هیبی ربی توسط ملائکه و در رأس آنها «بثاهیل» خلق گردید. متون مندائی منشأ پغرا را گل (اد طینا) معرفی کرده‌اند. «طینا» یا «طین» (گل) همان خاک آمیخته با آب است. بوته‌های زیادی از کتب مقدس مندائیان به منشأ اولیه پغرا اشاره نموده‌اند. برای نمونه کتاب دراشا اد یهیا (تعالیم حضرت یحیی) با پرسش‌هایی از جانب حق شروع گردیده است که بثاهیل به این سؤالات پاسخ می‌دهد. نکته جالب توجه اینکه، اولین سؤال در مورد منشأ و چگونگی پیدایش آدم و همسرش حواست که بدین گونه طرح گردیده است:

«آدم از چه چیزی خلق شده و حوا چگونه پدید آمد؟» (دراشا اد یهیا، ص ۱۳).

در پایان به این سؤال این گونه پاسخ داده می‌شود:

«آدم از گل آفریده شد و از همان گل همسرش حوا پدید آمد» (همان، ص ۱۵).

طرح این سؤال، آن هم در اولین بخش کتاب تعالیم حضرت یحیی (ع) نشان‌دهنده این موضوع است که تعالیم مندائیان از مسائل انسان‌شناسی غفلت نورزیده است. البته همان‌طور که در پاسخ دیده می‌شود، در اینجا مقصود بعد جسمانی انسان است.

همچنین هنگامی که فرشته مرگ جهت اخذ نشمئا (شریف‌ترین بعد روحانی انسان) سراغ حضرت آدم (ع) می‌رود، نشمئا محزون می‌شود و مایل نیست که از جسم (پغرا) جدا شود. فرشته مرگ خطاب به حضرت آدم می‌فرماید: «ای آدم! چقدر بر روی این جسد گلی اندوهناک هستی؟» (گنزا ربا، قسمت چپ، ص ۱۵).

در ادامه این تعلیم فرشته مرگ در انسان کارگر می‌افتد و نشمئا، جسد یا همان پغرا را این گونه مورد خطاب قرار می‌دهد:

«ای جسد! با تو چه می‌توان کرد؟ از خاک آفریده شدی و به سوی خاک باز خواهی

گشت» (همان، ص ۷۴).

همان‌طور که در بوته‌های فوق دیده می‌شود، از دیدگاه دین مندائی سرشت اولیه وجود انسان را عناصر مادی و خاکی تشکیل می‌دهند. بنابراین بخشی از شخصیت محسوس او به طبیعت گره خورده است.

اگرچه پغرا با صفت‌هایی همچون لباس جهان فانی، زندان نشمنا، لباس باطل، لباس گوشتی و خون توصیف شد، اما خدا آن را به کامل‌ترین و زیباترین وجه آفریده است تا لیاقت حمل شریف‌ترین بعد انسان، یعنی نشمنا را داشته باشد.

«چقدر این جسد زیبا بود... چقدر دقیق و خوب آن را ساخته‌اند... و چقدر هنگام خلقت آن جدیت به خرج دادند؟» (همان، ص ۱۶).

فرجام پغرا بازگشت به اصل خود، یعنی خاک است. جسد در آیین مندائی وظیفه‌ای موقتی و کوتاه دارد و با خروج نشمنا، ارزش و اعتبار آن از بین می‌رود. همچنین تمام پاکی جسد به وجود نشمنا بستگی دارد و وقتی نشمنا از انسان خارج گردد، پغرا نجس می‌شود. به همین دلیل تعمید بر کسانی که جسد میت را لمس کنند، واجب می‌شود.

## ۲. نشمنا، گوهر حقیقی انسان

تعالیم مقدس مندائی نشمنا را موجودی از موجودات جهان نور (آلما دنهورا) معرفی کرده و آن در ردیف ملائکه و اثری‌ها (ملائکه نور) قرار می‌دهد. بنابراین تمام ویژگی‌های اثری‌ها همانند پاکی، جاودانگی و لطافت را داراست. «از جهان نور آمدم \* از تو ای جهان استوار و شایسته آمدم» (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۲۹۸).

نشمنا، شریف‌ترین، پاک‌ترین و حقیقی‌ترین بُعد در انسان‌شناسی مندائی را به خود اختصاص داده است. کرامت و ارزش ذاتی انسان‌ها در مقایسه با سایر موجودات جهان و مسجود فرشتگان گشتن حضرت آدم (ع)، تنها به دلیل دمیده شدن نشمنا به جسم او می‌باشد. هیچ بوته یا آیه‌ای از کتب مقدس مندائیان به تحقیر یا تصغیر نشمنا نپرداخته است، بلکه برعکس، تمام بوته‌ها نشان‌دهنده کمال و نیکویی اوست:

ای مرواریدی که از خزانه اسرار هیبی ربی بیرون آمدی! ای پاکیزه‌ای که آن تنه گلی را

خوشبو (معطر) نمودی! ای تمیز داده‌شده و مشخص‌شده‌ای که خانه تاریک خود را

روشن کردی! ای فرزند آزادگان!... ای کسی که تو را در آن جهان (جهان خاکی) امت نام

نهادند! (همان، قسمت چپ، ص ۱۳۱).

«دادگر مؤمن ... دین‌دار دادگر... شجاع و مسلح ... تنگ‌دل نمی‌شود و هراسی ندارد» (همان،

ص ۹۲).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مکان اصلی نشمتهای جهان نور بود؛ حال باید دید که چگونه وارد

جسد بی‌جان (پغرا) آدمی شد. پاسخ این سؤال را باید در گنزا ربا جستجو کرد:

بعد از اینکه زمین گسترانیده شد و آسمان سر به فلک کشید \* بعد از آنکه خورشید شروع به روشنایی نمود و ماه نمایان گشت \* به ملائکه فرمان رسید تا جسد آدم را (از گل) بیافرینند \* پس پغرای آدم آفریده شد. اما آدم بی‌حرکت و بدون نفس بر زمین افتاده بود \* از عالم نور (بیت هیبی) نشمتهای همراه سه اثری خارج گشت \* سه فرشته نورانی نشمتهای را همراهی کردند و خواستند آن را به درون جسد آدم فرو نمایند \* اما نشمتهای ترسید و نگران شد و گریست و تمایل نداشت به جسد وارد گردد \* (سپس خطاب به ملائکه همراهش گفت:) ای ملائکه نورانی! ای پاکان! لحظه‌ای درنگ کنید تا جهان نور را ندا دهم و از خواهرانم (ملائکه) در مورد گناهیم بپرسم. چه گناهی را انجام دادم که باعث شد این‌چنین مرا از موطن خود طرد کنید. به مندا ادهیبی توسل می‌جویم تا یکی از فرشتگان پاک را برای نابودی این جسد پست بفرستد و مرا از این جهان نفرین‌شده خارج سازد و مرا به جهان نور بازگرداند \* که اصل و ریشه‌ام آنجاست \* به‌زودی گناهکاران این عالم بر من سیطره می‌کنند \* و هرآنچه را که می‌دانند، به من تعلیم می‌دهند و با گفتارهای خود مرا به اعماق تاریکی می‌کشانند. ای نشمتهای آزاده و پاک! ای فرزند جهان نور! نافرمانی نکن و به این جسد وارد شو. (در اینجا نشمتهای به فرشتگان همراه خطاب می‌کند:) ای رسول نورانی! اگر می‌خواهی وارد این جسد شوم، به من سلاحی بده تا بتوانم در برابر گرفتاری‌ها و سختی‌ها (بلا) از خودم دفاع نمایم. ای نشمتهای آزاده و پاک! ای فرزند جهان نور! چه سلاحی نافذتر از سلاحی که با خود حمل می‌کنی، می‌طلبی؟ \* ناصوراتا<sup>۱</sup> با شماسست \* تعالیم جاودان خداوند؛ آنها سلاح سخت و جسور شما هستند که

۱. ناصوراتا یا ناصیروثا، تعالیم الهی است که پس از جمع‌آوری کتاب مقدس گنزا ربا را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این بعضی محققان ناصوراتا را به‌معنای عقل و معرفت به‌کار برده‌اند (برنجی، ۱۳۶۷، ص ۵۳؛ فروزنده، ۱۳۷۶، ص ۱۸۹).

از عالم نور برایتان آوردم. ای نشمتای پاک! به خاطرت آسمان را آفریدیم و ستارگان را در آن معلق ساختیم و به خاطرت زمین را سخت نمودیم و میوه‌هایی در آن پدید آوردیم. به خاطرت هیی فرمان داد و خورشید طلوع کرد و ماه نورانی گشت و به خاطرت آب جاری شد. ای نشمتای هیی! حکمت را در قلبت ریختیم تا پروردگارت را ستایش کنی \* تا خدایت را به یاد آوری و او را عبادت کنی تا امن و آرامش بر تو نازل گردد. با قدرت و اراده هیی ربی و یاد مندا ادهیی فرشته مقرب خدا، به سوی جسد شتافتیم و وارد آن شدیم و یار و همدمش گشتم تا او را اداره و هدایت کنم. در این هنگام اشار و بدکاران برای نزدیکی به من سبقت می‌گرفتند \* اما مندا ادهیی مرا نگریست و مرا ندا داد: ای نشمتا! تو از جهان نوری، مواظب گفتار و کردارت باش تا پاکیزه از این جهان نابودشونده خارج شوی (همان، ص ۴۷-۴۴).

چنان‌که گذشت، نشمتای (نفس یا روان) انسانی در عالم نور قرار داشت تا اینکه خدا به او امر می‌کند به زمین هبوط کند. در واقع خدا امر می‌کند که مقید و محبوس به بدن جسمانی شود و از آنجا که جسم انسان متشکل از همان موادی است که در خاک وجود دارد، هبوط نشمتا به عالم خاکی تمثیلی از قرار گرفتنش در جسم است. اما نشمتای آدم اعتراض می‌کند که چرا باید در این شرایط محدود و در جسم قرار گیرد. خدا نیز به او پاسخ می‌دهد که مدت محدودیت تو در این جسم کوتاه است و مجدداً به نزد ما در عالم نور باز خواهی گشت (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

نشمتا باز شکوه می‌کند که زمین محل ناپاکی‌ها و زشت‌کاری‌ها است و من مصون از آنها نیستم و سلاحی برای مقابله با آنها ندارم. خدا به او می‌گوید اسلحه‌ای به تو می‌دهم که با آن می‌توانی بر همه چیز فائق بیایی و این اسلحه همان «ناصوراتا» یا تعالیم اولیه هیی ربی هستند. در نهایت نشمتا متقاعد می‌شود و وارد جسد آدمی می‌گردد. در تعالیم مندائی از این واقعه به‌عنوان مبدأ تاریخ مندائیان یاد می‌شود (یعنی ۴۴۵۳۸۲ سال پیش<sup>۱</sup>).

در تعالیم صابئین مندائی، از نشمتا به‌عنوان اصل وجود آدمی و گوهر حقیقی او نام برده می‌شود. نشمتا پدیده‌ای نورانی و الهی است و جایگاه اصلی آن در آلما دنهورا (عالم نور) است، اما به امر الهی در پغرا محبوس شده است. تمام جهان و شرایط جسمانی حیات آدمی، شرایطی

۱. ۱۳۹۲ شمسی معادل ۴۴۵۳۸۳ براساس میلاد آدم و برابر سال ۲۰۱۶ یحیایی است (ماهنامه بیت مندا، ۱۳۹۲)

موقتی است که بعد از مرگ پایان می‌گیرد و نشمنا آزاد می‌شود؛ اما این آزادی، آزادی نامشروط نیست و شرایط حیات نشمنا پس از رهایی از تن منوط به نحوه زیست آن در دوران حیات مادی است (همان، ص ۶۸). نشمنا با صفاتی همچون «کنز الحیاة<sup>۱</sup>»، «سیر الأعظم<sup>۲</sup>» و «سید الأرض<sup>۳</sup>» توصیف شده است که نشان‌دهنده عدم آگاهی فرشتگان و حتی انسان‌ها از ماهیت آن می‌باشد. خلقت جهان هستی و آراستن زمین به نباتات و جانداران و جنگل و دشت، همگی زمینه‌ای برای قدم نهادن نشمنا بر روی کره خاکی (تیبل) است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که نشمنا در دین اسلام، معادل «روح» است و همه ویژگی‌های آن را داراست؛ ویژگی‌هایی چون از جانب خدا بودن، ناشناخته و مرموز بودن، در ردیف ملائکه بودن، نامیرا بودن و منشأ حیات در هستی.

### ۳. روها

اصطلاح «روها» نیز در تعالیم دینی مندائی وجود دارد. اگرچه روها با صفاتی همچون «مادر جهان تاریکی»، «مادر بدی‌ها» و «اغواگر» به‌عنوان دشمن نشمنا معرفی گردیده، اما در حقیقت همان جنبه‌ای انسان‌شناختی است که مسئول ارضای غرایز جسمانی، حیوانی و طبیعی جسم بشر می‌باشد. معادل روها در تعالیم اسلامی را می‌توان نفس (آماره) دانست.

### هدف (فلسفه) خلقت انسان

هدف در لغت به‌معنای مقصود، غرض، غایت، نشانه تیر و مانند اینهاست. از تأمل در معانی لغوی واژه‌هایی نظیر هدف، قصد و غایت برمی‌آید که جمله‌ی دربر دارنده مفهوم «نهایت و سرانجام کار» هستند. با مراجعه به متون مقدس مندائی می‌توان فلسفه خلقت انسان را در موارد زیر یافت:

#### ۱. پرستش و ستایش هیبی ربی

«ای نشمنا؛ به‌پا خیز، خداوند را ستایش کن و برای او سجده کن» (کنز ربا، قسمت راست، ص ۷۹).

۲. گنج زندگانی.

۳. بزرگ‌ترین راز.

۴. ارباب زمین.

«به آنها (ناصورائیان) تسبیح و ستایش را تعلیم ده تا خدای زنده جاویدان را پرستش کنند» (دراشا اد بهیا، ص ۲۰۲).

## ۲. رحمت و محبت الهی

«ای انسان! محبتتم (عاطفهام) را در تو انباشته نمودم» (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۸۰).

## ۳. تعلیم حکمت

«حکمتم را (به نشماتا) آموختم ... حکمتم را بر تو افکندم» (همان، ص ۷۹).

## ۴. دارای مقام برتری و نسل در زمین (خلیفه هبی بودن)

«ای آدم! به فرمان من برای تو مقام (در زمین) خواهد بود و همچنین نسلی جاری» (همان، ص ۸۱).

«پس آدم خلق گردد تا پادشاه و سرور دنیا شود» (همان، ص ۷۰).

## ۵. امتحان و آزمایش

«مادامی که بر روی زمین انسان وجود داشته باشد، ایمان و کفر با هم نزاع خواهند داشت \* این گونه ایمان مورد آزمون قرار می گیرد» (همان، ص ۱۷۹).

## سرشت پاک انسان

در طول تاریخ اندیشه بشری، بحث پیرامون سرشت و فطرت آدمی و عوامل تغییردهنده آن، با نظریات بسیار متفاوت و حتی ضد و نقیضی همراه بوده است. برخی اندیشمندان حوزه انسان‌شناسی بر این عقیده‌اند که انسان‌ها فاقد سرشت و ذات مشترک‌اند. در مقابل نیز عده‌ای بر آنند که انسان‌ها ذات مشترک دارند. این مسئله از جمله مسائلی است که در طول تاریخ فرهنگ بشری مورد توجه ادیان و مکاتب علمی و فلسفی قرار گرفته و بحث‌های بسیاری را به دنبال داشته و اظهارنظرهای گوناگونی را باعث شده است. حال باید دید که دین مندائی در مورد سرشت انسان چه نظری ارائه کرده است.

دین مندائی اعتقادی به گناه اولیه حضرت آدم (ع) و رانده شدنش از بهشت ندارد:

«کسی نگوید آدم را از جهان نور تبعید کردند و چیزی را که به او آموخته بودند، فراموش

کرد \* بلکه هیچ گناهی مرتکب نشده است» (همان، قسمت چپ، ص ۲۴).

گنزا را سرشت اولیه انسان را پاک و نیکو می‌داند و هرگونه کدورت و تیرگی بر آن را مردود می‌شمارد:

«ای انسان! تو از شر نیستی و نیز جزئی از تاریکی نمی‌باشی \* اصل تو نه از آب کدر و تیره است و نه از آتش، بلکه تو از عالم انوار هستی؛ جهانی که تاریکی و کدورت در آن راه ندارد» (همان، ص ۲۸).

### کرامت ذاتی

می‌توان از تعالیم مندائی یک مبنای انسان‌شناسی مهم استخراج نمود و آن کرامت یا برتری و والایی انسان نسبت به سایر مخلوقات نظام هستی است. این ویژگی تنها از عنصر روحانی در وجود او (نشمتا) مایه می‌گیرد. در تبیین کرامت انسان از دیدگاه دین مندائی می‌توان شواهد زیر را مطرح نمود:

#### ۱. خلقت جهان هستی، مقدمه خلقت انسان

«به‌خاطرت آسمان را آفریدیم و ستارگان را در آن معلق ساختیم و به‌خاطرت زمین را سخت نمودیم» (همان، ص ۴۶).

#### ۲. مسجود فرشتگان بودن

این امر تنها به‌دلیل ورود نشمتای الهی صورت گرفت:

«فرشتگان به آدم سجده کنند \* و با او مخالفت نکنند» (همان، قسمت راست، ص ۹).

#### ۳. ناصوراتا (ناصروتا) یا تعالیم اولیه هیبی ربی به او

«ناصروتا با شماسست \* تعالیم جاودان خداوند؛ آنها سلاح سخت و جسور شما هستند» (همان، قسمت چپ، ص ۴۶).

در جای دیگری از گنزا ربا، هیبی ربی از مؤمنان می‌خواهد خود را با سلاحی محکم‌تر از آهن مجهز کنند که آن سلاح، ناصوراتا است:

«خود را با سلاحی محکم‌تر از آهن مجهز کنید؛ سلاح ناصوراتا که همان تعالیم اولیه و حقیقی هیبی ربی است» (همان، قسمت راست، ص ۲۴).



#### ۴. همراهی فرشتگان هنگام هیبوط نشمنا به زمین

«و سه فرشته از جهان نور به‌عنوان مونس و یار آدم با او نازل گردند» (همان، ص ۹).

#### ۵. سرور و ملک جهان از سوی هیبی ربی

«پس آدم خلق گردد تا پادشاه و سرور دنیا شود» (همان، ص ۷۰).

#### ۶. عهد و پیمان بستن هیبی ربی با انسان

«ای انسان! (با خدایت) عهد ببند \* خوشا به حال آنان که بعد از تو با خدای خود عهد بستند» (در اشاد یهیا، ص ۴۴). این عهد و پیمان مبنی بر عبادت، عدم شرک و انجام اعمال صالح است.

### فطرت

در دین مندائی انسان موجودی مصبوغ، مفطور و دارای رنگ و بوی جهان نور (هیبی ربی) است. «و نامش را بر لبان مؤمنین نهاد» (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۲). «نفس‌هایتان را با صبغه‌ای که خداوند آن را از عالم نور نازل کرده، رنگ کنید؛ صبغه‌ای که همه مؤمنان کامل با آن خود را مصبوغ نمودند» (همان، ص ۱۶). «و یقین داشته باشید که نام خدای ازلی بر پیشانی‌تان ثبت گردیده است» (همان).

### اختیار

بوته‌های زیادی از کتب مقدس مندائیان، انسان را موجودی مختار و دارای اراده انتخاب معرفی نموده‌اند که می‌تواند با انتخاب خود راه سعادت یا شقاوت را برگزیند: «خوشا به کسانی که می‌شنوند و سپس ایمان می‌آورند» (در اشاد یهیا، ص ۳۳). «هر کس استماع کند و سپس ایمان آورد و خدای متعال را اطاعت نماید، مکان وی در عالم نور خواهد بود و کسی که نشنود و ایمان نیاورد، مکانش در عالم تاریکی (جهنم) خواهد بود» (همان، ص ۲۳۴).

## مسئولیت

انسان در دین مندائی مسئول است و این مسئولیت تنها در قبال خودش نیست، بلکه نسبت به دیگران نیز مسئولیت‌هایی دارد. در ادامه مسئولیت را از سه بعد شخصی، خانوادگی و اجتماعی بررسی می‌کنیم.

### ۱. مسئولیت فردی (شخصی)

«هر فردی از اعمال خود مورد سؤال قرار می‌گیرد و هیچ فردی، بار فرد دیگری را حمل نمی‌کند» (گنزا ربا، قسمت راست، ص ۲۰۰).

«هر انسانی نسبت به عمل خود مسئول است» (همان، ص ۲۰۱).

### ۲. مسئولیت خانوادگی

خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماع است. با بستن پیمان ازدواج میان زن و مرد، زندگی مشترک آنها آغاز می‌شود و این نقطه شروع شکل‌گیری خانواده است که با تولد فرزند، نظم و قوام می‌یابد. در دین مندائی، خانواده کانونی مقدس است. بر همین اساس همسران در قبال یکدیگر مسئول‌اند و حقوقی بر گردن هم و فرزندان خود دارند.

«ای زنایی که برای مردان همسر و همدمید! از کارهایی که خدا نمی‌پسندد و در میان مردم نیک نیستند - همانند زنا و سرقت - بپرهیزید \* همسر نیک، عشق حقیقی را در زندگی ایجاد می‌کند \* تا آخر عمر در کنار هم باشید و از همدیگر جدا نشوید» (همان، ص ۲۱).

و بدانید که پدران تا پانزده‌سالگی مسئول اعمال فرزندان خویشانند \* پس کسی که فرزندان خود را موعظه ننماید و آنها را بیدار نسازد و نماز اول وقت به آنها نیاموزاند و آنها را به راه حق و ایمان فرا نخواند، تمام گناہانی که انجام می‌دهند، پدرانشان مسئول خواهند بود (همان، ص ۷۷).

### ۳. مسئولیت اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است. او به‌تنهایی توانایی برطرف کردن نیازهای خود را ندارد. او هم در تأمین نیازهای مادی مانند خوراک، پوشاک و مسکن نیازمند همکاری با دیگران است و هم در تأمین نیازهای معنوی مانند دوستی و مهرورزی. بنابراین انسان ناگزیر از حیات اجتماعی است. بسیاری از موهبت‌های زندگی انسان مدیون جامعه است و او همواره از دیگران خیر و برکت

دریافت می‌دارد. آثار سودمندی که به برکت ارتباط با جامعه نصیب انسان می‌شود، بی‌شک سبب ایجاد حس مسئولیت آدمی در برابر آن خواهد شد:

«اساس مهربانی، همدلی و غمخواری با فقرا و مظلومان است» (همان، ص ۲۶۹).

«نان و آب و پناهگاه برای مردم ستم‌دیده و مظلوم تهیه کنید و عدالت را رعایت کنید»

(همان، ص ۱۸).

«هرآنچه را که برای خود می‌پسندید، برای دیگران بیسندید و هرآنچه را که برای خود

نمی‌پسندید، برای دیگران نیز نپسندید» (همان، ص ۲۰). این همان «قاعده طلایی» است که در

همه ادیان آسمانی مشاهده می‌گردد.

حتی معلمان و دانش‌آموزان در قبال همدیگر مسئول هستند و مورد مؤاخذه قرار خواهند

گرفت:

«معلم و دانش‌آموز مورد محاسبه قرار خواهند گرفت» (دراشا اد بهیا، ص ۱۳۹).

## محبت

### ۱. محبت به خدا

اصیل‌ترین و حقیقی‌ترین محبت، محبت به خداست که وقتی در دل مؤمن حاصل شود، این‌گونه

دنیا را بی‌ارزش و خوار می‌بیند:

از زمانی که محبت در دلم جای گرفت \* عدل و حق را فهمیدم. از روزی که تو را

شناختم، فهمیدم که دنیا ارزشی ندارد و همه نعمت‌هایش رو به زوال‌اند. از پدر و مادر و

خواهر و برادر و فرزندان و همسر عزیزتر شدم \* دیگر مال و قصرها در برابر چشم من

بی‌اهمیت شدند \* لباس و عطر و جاه و ملک برایم بی‌ارزش گشتند. من خودم را

شناختم (گنزاربا، قسمت راست، ص ۲۹۹).

### ۲. محبت به خانواده

«همسرانی را که برای خودتان برمی‌گزینید، دوست بدارید \* و از همدیگر محافظت

نمایید؛ همانند توجه چشم‌ها به گام‌ها \* به همدیگر محبت داشته باشید \* و همدیگر را تحمل

کنید» (همان، ص ۱۷).

### ۳. محبت به برادر دینی

«اساس محبت این است که با برادرانتان در محبت خدا مشارکت نمایید» (همان، ص ۲۷۰).  
«کسانی را که دوست دارید، دعوت نمایید تا تعالیمی را که خداوند به شما هدیه داده، بشنوند؛ شاید ایمان بیاورد» (همان، ص ۱۲).

### فرجام انسان

#### ۱. مرگ، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر

«هر کسی متولد می‌شود، خواهد مرد و هر چیزی که با دست ساخته می‌شود، نابود می‌شود»  
(گنزاربا، قسمت چپ، ص ۲۱).

«و مرگ بر همه مردم چیره خواهد شد» (همان، ص ۱).

#### ۲. مرگ پایان راه نیست

مرگ به معنای آزاد شدن نشمتای محبوس‌شده در یغرای خاکی و عروج او به خانه خود، آلمان دهنورا است. در حقیقت مرگ به معنای اتمام مأموریت نشمتا در جهان خاکی است. پس از خروج نشمتا، جسم اعتبار و ارزش خود را از دست می‌دهد.

«ای انسان! به من فرمان رسید که تو را از جسدت آزاد کنم و از این دنیا خارج نمایم. تو را از زندان گوشت و زنجیرهای خون و استخوان آزاد کنم» (همان، ص ۹).

مندائیان اعتقاد دارند که نشمتای هر فردی پس از مرگ برای سنجش گناهان و همچنین خوبی‌هایش در آغاز به جایی به نام «اباثر مزینا»<sup>۱</sup> می‌رود. اباثر در عین حال نام یک ملکا یا موجود نورانی است که به حساب و کتاب نشمتاهای مردگان پرداخته و بد و نیکی ایشان را حساب می‌کند؛ یعنی فرشته‌ای که صاحب میزان و ترازو است و ارواح برای سنجش ناچارند از مسیر او عبور کنند (عربستانی، ۱۳۸۳، ص ۵۰). در اباثر درباره اعمال انسان داوری شده و اگر آدم خوبی بوده، به آلمان دهنورا (بهشت) می‌رود و اگر مرتکب گناهی شده باشد، باید جزای کار بد

۱. به این مکان «واثر مزینا» (صاحب میزان) نیز می‌گویند.

خویش را در جایی به نام مطرائی<sup>۱</sup> که محل مجازات روان‌های گناهکاران است، ببیند. مطرائی جایی از آلما ده‌شوخوا یا جهنم است (برنجی، ۱۳۶۷، ص ۲۹۱).

### نتیجه

براساس تعالیم مندائی می‌توان انسان را با عنوان «عالم اصغر» نام‌گذاری کرد؛ از آن جهت که عصاره و خلاصه جهان هستی و مرکب از عنصری از جهان نور (نشمتا) و عنصری از جهان پست یا طبیعی (پغرا) است. دو بعد انسان (مادی و معنوی) نسبت به هم بی‌تفاوت نیستند، بلکه از یکدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند. پغرا نسبت به نشمتا تحت تأثیر عوامل گوناگونی است. شیاطین از طریق روها (بعدی انسان‌شناختی که مسئول ارضای نیازهای مادی و غرایز آدمی است) می‌توانند انسان را از هدف اصیل و غایی خود غافل نمایند. علاوه بر این، شرایط مختلف زمانی همچون اعیاد، مکانی (زیستن کنار آب‌های جاری) و اجتماعی بر انسان بی‌تأثیر نیستند.

اهداف و فلسفه خلقت انسان را که شامل عبادت و تسبیح هیبی ربی، تعلیم حکمت، رحمت و محبت هیبی ربی، نماینده جهان نور در زمین بودن (خلافت) و امتحان و آزمایش اوست، می‌توان از تعالیم مقدس مندائی کشف و استخراج کرد. انسان موجودی مکلف و مسئولیت‌پذیر است و در قبال اعمال خود پاسخ‌گوست. در روز بزرگ حساب، هیچ‌کس گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و پاداش و ثواب یک عمل تنها به فاعل آن برمی‌گردد. نشمتای انسان - که جوهر حقیقی او را تشکیل می‌دهد - مفظور و مصبوغ و دارای رنگ و بوی جهان نور است.

### فهرست منابع

- قرآن کریم.
- برنجی، سلیم، قوم از یاد رفته، کاوشی درباره صابئین مندائی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی، تحقیق فی حکم الصابئه (فتوای حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مبنی بر موحد بودن صابئین مندائی)، ترجمه سلیم جیزان، اهواز: تراوا، ۱۳۸۸.

۲. به معنای محل تطهیر که تعداد آنها هفت عدد است.

- دراشا اد یهیا: مواظ و تعالیم یحیی بن زکریا علیه السلام، ترجمه امین فعیل خطاب، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه (M.R.S.C)، ۲۰۰۱م.
- رودولف، کورت، **النشوء و الخلق فی نصوص المندائیه**، ترجمه صبیح مدلل السهیری، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه (M.R.S.C)، ۱۹۹۴م.
- رهنمایی، سید احمد، **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۷.
- شیرالی، عادل، **صابئین راستین**، تهران: بصیرت، ۱۳۸۹.
- عربستانی، مهرداد، **تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران**، چ ۲، تهران: نشر افکار، ۱۳۸۳.
- فروزنده، مسعود، **تحقیقی در دین صابئین مندائی با تکیه بر متون مندائی**، تهران: سماط، ۱۳۷۶.
- الفیاض، احمد لفته، **المندائیون**، بغداد: جامعة بغداد كلية اللغات، ۲۰۱۱م.
- **گنزا ربا**، ترجمه جمعی از روحانیون و دانشمندان صابئین مندائی، بغداد: مرکز البحوث و الدراسات المندائیه (M.R.S.C)، ۲۰۰۱م.
- **ماهنامه بیت مندا (رویدادهای داخلی جامعه صابئین مندائی)**، سال سیزدهم، شماره ۱۴۵، ۱۳۹۲.
- المدنی، محمد نمر، **الصائبۃ المندائیون العقیده و التاريخ**، دمشق: دار و مؤسسه رسلان، ۲۰۰۹م.
- المرانی، ناجیه، **مفاهیم صابئیه مندائیه؛ تاریخ، دین، لغة**، بغداد: شركة التایمس للطبع و النشر المساهمه، ۱۹۸۱م.
- Drower, E. S, **The Mandaeans of Iraq and Iran: Their cults, customs, magic, legends, and folklore**, London: Oxford University Press, 1937.